

از گردن کوه می گویم

مؤلف: رزمنده عاشق باغ، حسن باقری

دربیر گیرنده وقایع و خاطرات مؤلف
از جبهه و جنگ دوران دفاع مقدس و مناطق عملیاتی شمال غرب کشور



انتشارات هادی



از کردستان می‌گوییم

دربیرگیرنده وقایع وخاطرات مؤلف

ازجبهه وجنگ دوران دفاع مقدس ومناطق عملیاتی شمال غرب کشور (کردستان)

- س. شناسه: ۱۳۴۸، سن: ۱۳۴۸
- عنوان و پدیدآورنده: از کردستان می‌گوییم
- مشخصات نشر: ۱۳۹۴
- مشخصات ظاهری: ۱۳۹۴
- شابک: ۹۷۸-۹۶۴۰-۵۱۰-۸۷-۶
- وضعیت فهرست نویسی: فید
- شناسه افزوده: عبدالحسین زاده، لیلا، ۱۳۴۹،
- شماره کتاب شناسی ملی: ۰۰۷۴۹۴

- ناشر: انتشارات هادی
- پدیدآورنده ومؤلف: حسن باقر
- امور چاپ: چاپ هادی
- مدیر هنری: حمیدرضا خیری
- شماره مجوز پژوهشگاه علوم ومعارف دفاع مقدس: ۶۸۷۰
- نوبت چاپ: اول • پائیز ۱۳۹۴
- شمارگان: ۴۰۰۰ نسخه
- قیمت: ۲۵۰۰۰۰ ریال

■ © حق چاپ برای مؤلف محفوظ واقتباس با ذکر نام وعنوان بلامانع است.

■ مرکز پخش: انتشارات قلم و اندیشه

■ تهران، میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، تقاطع شهدای ژاندارمری، روبروی اداره پست، شماره ۱۲۲

■ تلفن: ۰۹۱۱۱۲۷۶۳۷۷ • ۰۶۶۹۷۵۵۰۱ (۰۲۱)

فهرست

۱۵

تقریظ سردار

۱۷

مقدمه

فصل اول

۲۵

آشنایی با مؤلف

۲۸

اگر می خواهید شخصیت مرا بشناسید

۲۹

علاق

۳۱

بیک پایینگ

۳۱

تدوین و تکرار

۳۲

یادداشت باشد...

۳۲

در حمایت از ره - انی روستا...

۳۳

مست ها را هم می شناسد

۳۳

چه می شود خدا

فصل دوم

۳۹

سخنران مقام معظم رهبری در جمع سران کرد

۴۵

اولین سفر هیئت حسن نیت به کردستان

۵۲

اولین واکنش جمهوری اسلامی ایران

فصل سوم

۵۷

وقایع و جغرافیای استان های شمال غرب

۵۷

موقعیت جغرافیایی شهرستان های آذربایجان غربی

۵۷

آذربایجان غربی

۵۸

جغرافیا

۵۸

ناهمواری ها

۵۸

حوضه های آبریز

۵۹

آب های معدنی

۵۹

بلندی ها

۵۹

رودخانه ها

۵۹

چنگال ها

۵۹

مردم شناسی

۶۰

تاریخ استان

۶۱

موقعیت اقتصادی اجتماعی

۶۲

استانداری

۶۲

شهرستان های استان

۶۲

شهرستان ارومیه

۶۳

شهرستان اشنویه

۶۳

زبان

۶۳	تقسیمات کشوری
۶۳	بخش‌ها
۶۳	شهرها
۶۳	دهستان‌ها
۶۴	روستاها
۶۴	شهرستان پیرانشهر
۶۴	شهرستان سلماس
۶۵	شهرستان تکاب
۶۵	شهرستان صائین‌دژ
۶۶	شهرستان نقده
۶۶	شهرستان مهاباد
۶۶	شهرستان سردشت
۶۷	بهاران شیملایی
۶۷	شهرستان بوکان
۶۸	شهرستان میاندوآب
۶۹	موقعیت جغرافیایی شهرستان‌های استان کردستان
۶۹	استان کردستان
۷۰	شهرستان سنندج
۷۰	شهرستان قو
۷۰	شهرستان دهگلان
۷۱	تقسیمات کشوری
۷۱	شهرستان سنقر
۷۱	شهرستان پانه
۷۲	شهرستان مریوان
۷۲	جمعیت
۷۲	موقعیت جغرافیایی
۷۲	شهرستان دیواندره
۷۴	شهرستان سروآباد
۷۴	شهرستان کامیاران
۷۴	شهرستان بیجار
۷۶	استان کرمانشاه (باختران)
۷۶	شهرستان پاوه
۷۷	وجه تسمیه و پیشینه تاریخی
۷۷	مشخصات جغرافیایی
۷۸	اطلاعیه ستاد کل ارتش
۷۸	مردم غیور کرد: شهرمنندج
۷۹	اهالی محترم و مسلمان کردستان
۸۰	بررسی عملیات کمین ضدانقلاب در کردستان
۸۷	مروری بر درگیری‌های کردستان
۱۰۲	ماجرای دیگر در کردستان
۱۰۳	۱- جاف...

- ۱۷۴ سوم خرداد ۱۳۶۱؛ روز آزادسازی خرمشهر، در پیرانشهر چه گذشت؟
- ۱۷۵ چگونگی مجروح شدنم ...
- ۱۷۹ سقوط پایگاه روستای قبا زوله مهاباد
- ۱۸۲ کلاه آهنی های عراقی و لاک پشت هازیر چرخ
- ۱۸۴ گروه ضربت شهید علی رسولی
- ۱۸۵ جاده ناامن بود توقف کردیم
- ۱۸۸ از تپه خالد آباد تا ایست بازرسی مقابل مین ماندیم
- ۱۸۹ هرگاه به محورهای عملیاتی وارد می شدیم خود را در آن دنیا می دیدیم
- ۱۹۲ عملیات مرصاد، خط پایان منافقین
- ۱۹۴ تاراه کر بلا باز نشده به اردبیل بروید
- ۱۹۶ ابوالانوار هلال احمر در حال حرکت است
- ۱۹۸ اسکناس های قلابی
- ۱۹۹ با پذیرش قطعنامه ۵۹۸، جنگ هم چنان ادامه داشت
- ۲۰۱ دشمن شول را کشتن می خواست
- ۲۰۲ برادر ارشی که رانجات داد
- ۲۰۳ سرود یا ... دگاز
- ۲۰۶ حمله عراق به کربت
- ۲۰۸ نیروهای حافظ صلح (UN) و درخت است شراب
- ۲۱۰ فوت پدر من و پدر همسرم
- ۲۱۳ به بهانه کمین می خواست مار تحسین حزب دمکرات بدهد
- ۲۱۴ حسن آقا معصومه مرد
- ۲۱۶ بابا، عموها خوابیده اند
- ۲۱۸ خدمت در تیپ مستقل ۱۸ الغدیریزد
- ۲۲۰ ماشین کمپرسی خود را شناخت
- ۲۲۱ عاشق خود نویس بودم ولی حرام اعلام کرده بودند
- ۲۲۲ روحانی عقیدتی ارتش بالند روبرو به داخل مقر حزب دمکرات رفت
- ۲۲۳ انفجار پست مخابرات مهاباد
- ۲۲۵ ورود عزالدین حسینی به مهاباد
- ۲۲۷ بازگشت از میاندوآب و درگیری در جاده مهاباد
- ۲۲۸ خیانت بنی صدر، درگیری در کردستان
- ۲۲۹ پرواز هواپیماهای عراقی به سوی تبریز
- ۲۳۱ مسجد تخریب شده شیعیان در اشنویه
- ۲۳۲ خواهران تهرانی و کارهای خدماتی، فرهنگی و امدادی
- ۲۳۳ منیع شما سوراخ است
- ۲۳۴ حرمت روز عاشورا را نگه دارند
- ۲۳۶ مقصود بیژم به دست تا قارگاه حمزه علیه السلام، یزید: امام موسی بن جعفر را
- ۲۴۰ جنگ سه کانیان
- ۲۴۴ جاده را بستیم

۲۴۶	شاید آخرین خدا حافظی باشد
۲۴۸	راه جنگ از کردستان بود
۲۴۹	فقر فرهنگی از صدها دلیل باعث وقوع غائله ها
۲۵۰	اکثریت مردم مناطق کردنشین کشور عضو بسیج هستند
۲۵۱	برتری مناطق کردنشین
۲۵۲	زمانداران باید به فرهنگ کردستان آشنا باشند
۲۵۴	مین و کمین
۲۵۵	پرونده های سوخته
۲۵۷	دره قاسملو، برف آغشته به خون
۲۶۰	وزیر نیرو در مهاباد
۲۶۱	اسلحه را گرو گذاشته بود
۲۶۴	نقشه نقطه قوت قلب رزمندگان
۲۶۴	چهارم: خوش خط بودم اطلاعاتی ها را من می نوشتم
۲۶۷	بابیریق سفید اعلام وفاداری می کردند
۲۶۹	نزدیک به چهار سال بدم اما گیلان نخوردم
۲۷۰	به خاطر چرب و نرم صابون گتته بودند
۲۷۱	عمرشش ماهه را
۲۷۲	نقش نیروهای ارتش در برتری از رمی ایران
۲۷۲	اگر فلزی از آن بود
۲۷۳	ارتش پادگان های خود را در اختیار سپاه قرار می داد
۲۷۴	ستون های زرهی ارتش
۲۷۶	آتش تهیه ارتش
۲۷۷	آفند سپاه و پدافند ارتش
۲۷۸	رساندن آذوقه و مهمات با ارتش بود
۲۷۹	دژبان اجازه ورود نداد، صیاد تشویق کرد
۲۸۱	گردان های جندالله
۲۸۲	طرح فراخوان حزب دمکرات و کومله مستقر در خاک عراق
۲۸۴	رتیل امانش نداد...!
۲۸۶	می گویند: شما جنازه پسر مرا دیده اید
۲۸۷	از آینه دیده می شوم
۲۸۸	طولانی ترین جنگ
۲۹۰	سرخن سخیف
۲۹۱	داخل یخچال کرم گذاشته بود
۲۹۳	منافق زن در قامت معلم
۲۹۴	شهرهای درگیر مناطق کردنشین
۲۹۶	عقل نامرد در این دایره سرگردان است...
۲۹۸	دل نوشته
۳۰۰	صدای گربه ها زیر شیروانی مسجد
۳۰۱	لباس های خاکی رزمندگان را می شستند

- ۳۰۲ باجناقم بین رزمندگان میوه پخش کرد
- ۳۰۲ بوی سیر
- ۳۰۳ بی سیم رازیر بالش می گذاشتم
- ۳۰۵ اسلحه همیشه بالای سرم مسلح بود
- ۳۰۵ رزمندگان کردستان و حاج عمران را فراموش نکنید
- ۳۰۸ کبوترها به هوا پرتاب شدند
- ۳۱۱ بازخوانی یک واقعیت تلخ
- ۳۱۴ مجروح عراقی را نتوانستیم نجات دهیم
- ۳۱۵ تابلوهای راهنمایی
- ۳۱۹ گوشت قربانی مشکوک
- ۳۲۰ سرباز روی مین رفت
- ۳۲۱ سه کشور با کردستان بود
- ۳۲۳ رزمندگان گاهی شهستان ها
- ۳۲۵ تقلید بنای گ... مارش حمله و عملیات ها
- ۳۲۶ همسران فداکاران رزمندگان در کردستان
- ۳۲۸ خواهران تهران فزونی
- ۳۲۸ جهادگران سمنان جان و مال خود
- ۳۲۹ هلال احمر تهران، آب و برق، کاشی، سیمان، وزارت جهاد
- ۳۳۰ در جمع راهیان نور شمال غرب گفت
- ۳۳۱ هم دلی و هم یاری در جبهه
- ۳۳۲ در جمع مردم اشنویه گفتم
- ۳۳۶ سال ۶۶ در کردستان گفتم
- ۳۳۸ در یادواره شهدای تبریز گفتم
- ۳۳۹ شخصیت فردی رزمندگان
- ۳۴۰ منزلت خانواده شهدا و ایثارگران
- ۳۴۰ آشنایی با یادمان شهدای حاج عمران
- ۳۴۱ وضعیت قبل از شروع جنگ تحمیلی
- ۳۴۱ وضعیت حین جنگ تحمیلی
- ۳۴۱ وضعیت موجود یادمان
- ۳۴۲ برخی از عملیات های دفاعی و برون مرزی شمال غرب کشور
- ۳۴۳ عملیات والفجر ۲
- ۳۴۳ عملیات ظفر ۳
- ۳۴۳ عملیات کربلای ۲
- ۳۴۴ عملیات کربلای ۷
- ۳۴۴ عملیات نصر ۹
- ۳۴۵ ژبان قراضه
- ۳۴۵ کشف کولر توپوگراف جی (FG)
- ۳۴۶ توان جیب میو
- ۳۴۶ در جستجوی بوق خودرو

۳۴۷	مقایسه جبهه شمال غرب با جنوب
۳۴۸	شهید علی سیف اللهی
۳۵۰	امنیت را خودتان در دست بگیرید
۳۵۱	به نیابت از شهیدان کردستان
۳۵۲	قطعه نامه ۵۹۸ شورای امنیت

فصل پنجم

بادیگر راویان از کردستان

۳۵۵	جنگ در جبهه کردستان، تفاوت های بسیاری با جنگ در دیگر جبهه ها داشت
۳۵۵	خاطراتی که در سینه پیشمرگان کرد نهفته ماند
۳۵۶	غانله گروهک کمونیستی صدیق کمانگر
۳۵۷	با ل از حده دأ ۱۰ روز هر انقلابی که در شهر می دیدند، دستگیر و اعدامش می کردند
۳۵۸	ماه ۱۰ اومت در برابر ضد انقلاب
۳۵۹	او ک ن فرود هواپیما وجود نداشت
۳۵۹	دراژ سوء تاج به انقلاب در بین عده ای از مردم از قشرو طبقه ساده، تصویر بدی از سپاه ایجاد کرده بودند و ما را نفرین می کرد
۳۶۱	چشمان آقام پرشاد بود
۳۶۶	خود آقای باقری را با پوشان لباس ها گردی نجات دادم
۳۶۹	با صفا و با عاطفه هستند
۳۶۹	با مردم کردستان انس گرفته بود
۳۷۴	از امام، فقط هزار قبضه اسلحه به دست آمد!
۳۷۷	خانم جان
۳۷۸	عارضه پوستی
۳۷۸	قیمه پلو
۳۷۹	مظلومیت رزمندگان و شهدا کردستان
۳۷۹	ترگس جهروئی
۳۹۱	در آن هنگام که مقام معظم رهبری، رئیس جمهور بودند
۳۹۲	اجمالی از شجره نامه ایل منگور
۳۹۳	پیشمرگان

فصل ششم

بایشکسوتان انقلاب

۴۰۷	فخرالدین حجازی (امام از جانش نمی ترسد)
۴۰۸	شهید بهشتی در کردستان
۴۰۸	مرحوم حضرت آیت الله طالقانی در کردستان
۴۱۰	مناجات شهید بهشتی
۴۱۱	مناجات شهید دکتر چمران
۴۱۵	می گویند جنگی دیگر شکل گرفته است
۴۱۶	کردستان پاره تن ایران

۴۱۷	آذربایجان شرقی
۴۱۸	وشما اهالی استان آذربایجان غربی
۴۱۸	اردبیل
۴۱۸	اصفهان
۴۱۸	ایلام
۴۱۹	البرز
۴۱۹	بوشهر
۴۱۹	تهران
۴۱۹	چهارمحال و بختیاری
۴۱۹	خراسان جنوبی
۴۲۰	خراسان رضوی
۴۲۰	خراسان شمالی
۴۲۰	خوزستان
۴۲۱	زنجان
۴۲۱	سمنان
۴۲۱	یمنستان و بلوچستان
۴۲۱	فارس
۴۲۲	قزوین
۴۲۲	قم
۴۲۲	شماره دستاوی های
۴۲۲	کرمان
۴۲۲	کرمانشاه
۴۲۳	کهگیلویه و بویراحمد
۴۲۳	گیلان
۴۲۳	لرستان
۴۲۳	مازندران
۴۲۴	مرکزی
۴۲۴	هرمزگان
۴۲۴	همدان
۴۲۴	یزد

فصل هفتم

نامه ها

نکاتی درباره نوشته خوب

از حیث مفهوم، محتوا، سبک و آیین درست نویسی

واژه نامه

فصل هشتم

به روایت تصویر

• تقریظ سردار

یقیناً خردمندان اهل معرفت در بستر فرهنگ و ادبیات دفاع مقدس، با الهام از زیبایی‌های معنوی و حماسی، ایثار و از خودگذشتگی رزمندگان اسلام را چون مردان بزرگ و فداکار تاریخ صدر اسلام در عرصه نایب‌النبرد با کفر، شرک و الحاد، دست به آفرینش ماندگار زده و با عنصر هنر، شجاعت و غیرت در هم آمیخته‌اند.

بی‌شک همت و ورزیدن برای ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در جامعه اسلامی همراه با بازگویی و ثبت تاریخ شفاهی دوران دفاع مقدس، بالاخص حماسه‌های گمنام و بی‌نشان فرزندان روح‌الله، سربازان عصر زعامت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در کردستان، فاخرترین نحوه حضور در ترویج و نشر فرهنگ اسلامی است که مؤلف خود را به این زیور پرگهر آراسته است.

برادر حسن باقری خود در زمره رزمندگانی است که حضور در جبهه شمال غرب (مناطق عملیاتی کردنشین) کشور را در دوران دفاع مقدس تجربه نموده و با تألیف کتابی تحت عنوان **از کردستان می‌گویم** توانسته است خالق اثری باشد که خلاء آن را در شمار سایر آثار راجع به دفاع مقدس احساس می‌نمودم. با انتشار این اثر ارزشمند، شاهد محقق شدن انتظاراتم از سوی آن برادر علاقمند، به تبیین و تشریح روح ایثار و فداکاری رزمندگان به ویژه رزمندگان آذربایجانی در کردستان عزیز گردیدم، که از برآیند این اثر چنین استنباط می‌شود که نگارنده، با ظرافت و اشرافیت به اوضاع و احوال منطقه، شکوه، عظمت و پایمردی رزمندگان و فرماندهان دلاور اسلام را که در اوج شهادت و بی‌نشانی به سمری بردند، به تصویر کشیده، جلوه و جلال اساسی ترین حراموس ترین جهاد را در سرزمین غریبان به زیبایی نقاشی کرده است، سررئینی که ره‌نگاری چکمه پوشان ستمگرو عناصر فریب خورده ضد انقلاب با مشی و اعداء روغین خود مختاری برای کردستان بادست بردن به اسلحه از هرگونه جرم محسوب می‌گردد و بر علیه بشریت کوتاهی نکردند که در این اهداف شوم خود عده کثیری از مردم مسلمان بومی و رزمندگان مهاجر از اقصی نقاط ایران اسلامی را مظلومانه به شهادت رساندند.

سرتیپ دوم پاسدار اسلام - کرکیمیان

فرمانده سپاه - شری

• مقدمه

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا

اوست آن کس که در دل های مومنان آرامش را فرو فرستاد تا ایمانی بر ایمان خود، بیایند. سپاهیان آسمان ها و زمین از آن خداست و خدا همواره دانای، سجد، و کار است.

سپاس بی پایان، خداوندی را سزاست که با حکمت ربانیه و قدرت، کامله اش عقل و دانایی به بندگان خود، عنایت و ارزانی داشته است؛ تاخیر را از شر و نفع را از ضرر، تمیز دهند و نیک بختی و رستگاری دنیا و آخرت را تحصیل نمایند.

درود بی شمار بر روان پاک منبع کمالات احدی و صفات سرمدی، حضرت محمد مصطفی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، که شریعتش تکمیل کننده شریعت ها و کتابش مهیمن کتب آسمانی پیشین است.

پیغمبری که با کتاب عظیم و اخلاق شایسته اش، گمشدگان وادی ظلمت و جهالت را به شاهراه دانش و معرفت، هدایت و سرگردانان بیابان حیرت و ضلالت را به مدینه فاضله تقوی و عدالت، رهنمون فرمود.

درد و سلام به همه ائمه اطهار (علیهم السلام) و سرسلسله شیدائیان عشق و شهادت و شجاعت، حضرت امام حسین (علیه السلام) که درس ایثار و فداکاری را از قیام عاشورایی اش، به پویندگان طریق غیرت و مردانگی در میادین نبرد آموخت تا مرد از نامرد جدا شود.

دوران دفاع مقدس، حقیقتی همیشه زنده و فراموش نشدنی است که دفتر آونی بود برای تفکیک مرد از نامرد؛ چرا که حقیقت آرمان نامه مردان بزرگی است که از صفا، نامردان جدا و در طریق شکوه و ایثار، گام برمی دارد.

آری! سلاخ خوش، تقوا و ایثار، نماد با شکوه مردانی است که نشان در گمنامی یافتن راه از راه حجاب برجسته علم، ایمان و عمل در سخت ترین صحنه های نبرد و جبهه مبارزه با نیکو که عشق ایزدی به عز، شرف، فضیلت و معرفت باطنی خویش را در هم آمیخته و سرافرازانه به فیض شهادت نائل و حقیقت مردانگی را در میدان نبرد با کفر و الحاد، تفسیر و معنا نمودند.

صرف نظر از این باور عمومی که از ریشه واژگان حقیقت و واقعیت دقیق شویم، تفاوت هایی را مشاهده می کنیم که ییشه کلمه حقیقت، "حق" به معنای راستی و درستی است و ریشه کلمه واقعیت، "واقع" به معنای رویدادن و یا اتفاق افتادن است. در اتفاق اصطلاحات جدید، "حادثه" به خود واقع و نفس الامر "واقعیت" اطلاق می شود نه حقیقت، و لذا "روفت" واقعیت "بگوییم منظور ما خود واقع و نفس الامر است و هر وقت "حقیقت" بگوییم منظور آن ادراکی است که با واقع مطابقت دارد.

با این تفسیر، شهدا به نیکی توانستند حصارهای نفسانی را در نور دیده و قله های حقیقت و سعادت ابدی رافتح و ما را در حسرت و وصول این فیض عظمی وا گذاشتند، تا اینکه به مثابه **وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ يَغِيظُ وَلَا يَحْسُدُ وَالْمُنَافِقُ يَحْسُدُ**

وَلَا يَغِيْظُ هَمْجَنانَ مُنْتَظَرِ بمانيم.

اینک که از این غافله فاصله گرفته‌ام، شایقم اوج عظمت و حقیقت
ایثارشان را در دوران دفاع مقدس به ویژه در مجموعه قرارگاه حمزه
سیدالشهداء (ع) و شمال غرب کشور (مناطق کردنشین)، در آئینه خاطرات
به رشته تحریر درآورم، بنابراین سعی می‌کنم حقیقت را به معنی واقع کلمه در
این اثربیان کرده و رسالت رساندن پیام شهداء و الامقام را به رسم امانت داری
وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ انجام دهم.

گرب. خرن قانون آزادی نوشتی در جهان
من هم آن را با اسب رفتنم امضا کنم
تا شود ثابت که حق جاهد و باطل فانی است
زین زمین تا شام هم برنامه‌ها اجرا کنم
می‌روم تا آن جنایت پیاپی را رسوا کنم
پرچم تبلیغ بردوش من را امروز شد
بهر تبلیغ رسالت بایستگان می‌دم
من به دنبال سرت چون سایه تا شام سراب
بهر اثبات حق و تفسیر قرآن می‌روم

چرا که معتقدم آنچه که انسان را بزرگ و متعالی جلوه می‌دهد، خودستایی
و خود بزرگ بینی یا تکبر نیست؛ بلکه نیم‌نگاهی است که از غرور و غداوند به
انسان می‌شود و باعث تکامل شخصیتی وی می‌گردد. پس در این اوج و انتهای
این اثربایده حقایق گفته و ثبت شود. بنابراین در این مجموعه با حقیقت
کردستان روبرو می‌شوید، بدون اینکه از صنایع ادبی، فضا سازی و اغراق
استفاده شود.

واضح و روشن است که جنگ با خون و خون ریزی، کشت و کشتار و
ویرانی و غارت توأم است. هیچ کس نمی‌تواند ادعا نماید که جنگ را برزندگی
زیبا تر جیح می‌دهد.

حتی نظامیانی که برای روزهای رزم آموزش دیده اند؛ با تمام تبحرشان، باز از جنگ استقبال نمی کنند. چون میدان رزم، تنها مکان درگیری با دشمن نمی تواند باشد. در جنگ ها کشتار غیرنظامیان، کودکان، زنان و مردان در بمباران ها شاید به اندازه کشته شدگان در میادین جنگ باشد.

آنان که سابقه مبارزه و حضور در مصاف با دشمن متخاصم را دارند، خوب به خاطر می آورند که در میدان نبرد، مرگ انسان ها بسیار ساده رقم می خورد و آنان خیلی زودتر به مرگ یا شهادت همزمان خود، خومی کنند.

در دوران دفاع مقدس، جوانانی که با جنگ روبرو شدند، سابقه درگیری را نبرد را نداشته اند. دانشجویان و دانش آموزانی که قلم و کتاب خود را کنار گذاشته و به پیش اسلحه برداشته بودند، کشاورزی که ابزار و لوازم کارش را زمین نهاده و جنگ آمده بود... انسان های معصومی که قبلاً دست به خون کسی نیالوده بودند، برای دفاع از کشور خود آمده بودند.

ذاتاً انسان با تمام احساس قدرت طلبی اش، از ریختن خون انسان دیگری ابا دارد. کشتن، برخلاف فطرت انسانی است؛ به همین خاطر انسان برای اینکه بتواند انگشتانش را روی ماشه بلغزاند، یاد ابتدا با خود بجنگد و این درگیری درونی، روح انسان را خراش می دهد. ایران چنین افرادی پس از تغییر اوضاع و احوال و پایان جنگ، پی می برند که بر آن ساخته شده است.

میدان جنگ، میدان رزم است؛ نه بزم. میدان کشت است. اگر نکشی می کشند. جنگ، بر سر بود و نبود است. جنگ، بر سر زندگی است. می کشی تا بتوانی زندگی را یا برای خود یا برای دیگران تأمین کنی. نمی شود در میدان جنگ اسلحه داشت و دید که هم‌رزم در جلوی چشمانت کشته می شود ولی دستت روی ماشه نلغزد. با این همه؛ چه بخواهیم و نخواهیم، جنگ از دیر باز در دنیا وجود داشته است. کشمکش بر سر بود و نبود، خیر و شر بوده و خواهد بود.

پس وقوع جنگ، اجتناب ناپذیر است. اما بعد از جنگ چه باید کرد؟!

بهترین راه، گفتن حقایقی است که در جبهه و جنگ اتفاق افتاده است. کندوکاو در ادبیات دفاع مقدس مانند کاویدن زمین است برای کاشت و برداشت. لیکن کاشتن بدون کاویدن عملی عبث و بیهوده است. از این رو، لاجرم باید اوراق تاریخ دوران دفاع مقدس را ورق زد و در لابه لای آن فراز و فرودها را شناخت و مطالعه کرد تا بستروزمینه نشر ادبیات جنگ و دوران دفاع مقدس را فراهم آورد.

آنچه بعضاً مشاهده می شود، این است که نویسندگان ادبیات دوران دفاع مقدس نمی نوشند خود را بر تألیف خود مسلط نموده و پس از استیلا و تسلط کامل ورق را پر کنند و به طبع مخاطب برسانند. بنابراین بیشتر مطالب را تفتنی و سرسری می نگارند و گاهی هم در بیان حقایق دچار اغراق شده و تعارض ایجاد می نمایند. اثر هر کسی بر آن ها خورده بگیرد و به نقد پردازد، با او به خصومت برمی خیزند.

این گونه مؤلفان، بسیاری از مؤلفان ادبیات جنگ و دفاع مقدس را به معنی واقعی درک ننموده اند، تا همه حقایق با اطلاعات کافی بیان کنند و بدون نقض و تحریف، مطالب را جمع وری کنند، و به طبع نظر مخاطب برسانند.

عبرت از باران بگیر، استاد شو
خشم بنشان، چشم بگشا، شاد شو

بنابراین نوشتن «سند» است، سند مالکیت انسان، سند اصالت انسان؛ که این خود، دلی در یابی می خواهد. نوشتن گفتن نیست که به مصلحت روزگار، صفحه آرای شده باشد.

اثر حاضر بازگوکننده حقیقتی است که در شمال غرب کشور از بدو پیروزی انقلاب اسلامی رخ داده است. آن روزها که مشغول تدوین این اثر بودم، گمان نمی کردم که پیش از چاپ، نام برخی از عزیزان در دفتر رفتگان ثبت شود.